

نامه فتحعلیشاه به ناپلئون^۱

خداوندی را بنده ایم و کردگاری را پرستنده که بی سزا نبخشد و سزائی هم اوبخشد، گل از گل آرد و مهر از دل. آرایش بوستان از چهره گلها دهد و آسایش دوستان از مهر دلها. بلبلان را با هزارستان در پیشگاه دستان شاخ کاشف اسرار باغ سازد و بریدان را بی هیچ دستان ولاغ از پی داستان همدستی دوستان واسطه ابلاغ و پس از نیایش یزدان پاك درود ما بر پیام آوران نیکونهاد و رهبران مبدء و معاد و از آن پس سلامتی دوستانه و تحیتی بیکرانه نثارانجمن حضور آفتاب ظهور آن مهین خسرویگانه، شهریار کامکار نامدار، خدیو وجود گستر عدل شعار، کرم پرور بیدریغ، خداوند نگین و تیغ، نیروی دست جهان گیری، قوت بازوی دلیری، همایون نوای نای ملکستانی و کشور گشائی، برتر آوازه صیت گیتی خدائی، پادشاه ذیجاء سپهر دستگاه، برادر معظم مکرم امپراطور اعظم اکرم، شهریار ممالک فرانسه و ایطالیا، لازال رایات اقباله، معروفه بالغز والنصر و قصور اجلاله مصروفه عن الکسر و القصر ساخته مکشوف رأی ملک مهر ضیای گرامی میدارد که نامهای دوستانه آن برادر نامدار یگانه در فرخ ترین اوان و نیکوترین زمان بدیده یکجهمتی و دوستی ملحوظ و از شهود و مضامین محبت آئینش که حاکی فتوحات عظیمه برای اولیای خجسته دولت قویم بوده و بغایت مبتهج و ملحوظ گشته و وضوح مراتب یکجهمتی و هواخواهی ما از آن گذشته است که اکنون حاجت شرح و بیان و ذکر و اعلان باشد. بر آن برادر

معظم اینمعنی پیدا و معلوم شده است مکرر نامهای دوستانه بهمراهی سفرای فرزانه فرستاده مکنون خاطر خود را در مجاری مهمات یکجتهی و دوستی بررأی مودت آرای آن برادر مکرم شرح داده ایم و ازقراری که این نوبت نامه مکرم آن برادر معظم رسید و از مقصد و مدعای دوستانه ، حاوی اشعار و اظهاری نبود چنین نمود که مقاصد و ضمایر ما بر آن خجسته برادر چنانچه مقصود و مراد خاطر دوستی اثر بود هنوز آشکار و ظاهر نگردیده است بنابراین عالیجاه رفیع جایگاه فطانت و درایت اکتناه صداقت و راستی انتباه عمده الاشباه موسی ژوآنین را که در اوقات توقف در این حدود در خدمات دوستی و یکجتهی این دودولت مسعود لازمه کوشش و جهد کرده بود در تفصیل ضمایر و مکنونات خاطر ما آگاهی بهم رسانده روانه خدمت حضرت سیهر بسطت ایمپراطوری نموده بدین نامه دوستی ختامه نیز محرک سلسله یکجتهی و یگانگی کردیم مشارالیه بعد از شرفیابی دریافت حضور ساطع النور آن فرخنده برادر کامکار نظر بکمال اطلاع و استحضاری که دارد تمامی مهام و امور و جمله مقاصد و مطالب نزدیک و دور را چنانچه باید و شاید حالی و معلوم رأی یکجتهی اقتضای آن طراز بخش اورنگ ایمپراطوری نماید و چنانچه خاطر دوستی ذخایر ما خواهان و طالب مقتضیات یکجتهی و دوستی آن برادر والا گهر میباشد از آن جانب نیز آن همایون برادر در مقام اقدام بر شروط و ایفای عهد یگانگی بوده رسوم معاهدات دوستانه را مهمل نگذاشته حال که بمراد هواخواهان عایقی و مانعی برای آن برادر گرامی نیست در اتمام مقصود و معهود اهتمامی داشته باشند .

همه روزه منتظر وصول نامهای دوستانه از آن برادر یگانه میباشیم .
ایام سلطنت ایمپراطوری مستدام و بردوام باد .

محل مهر فتحعلیشاه